

۱۲ فرهنگ سینما

راش

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی:

فیلم و سینما قالب ماندگاری برای بیان مفاهیم است

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی معتقد است آموزش‌های بصری از آموزش‌های سمعی جامانده‌اند و کمیسیون فرهنگی مجلس باید به این موضوع ورود پیدا کند تا زمینه‌های گسترش آن در نظام آموزشی فراهم کند.

محمد اسماعیل سعیدی در گفت‌وگو با جام‌جم درباره نقش سینما در آموزش تصریح کرد: اگر ما بتوانیم جمله‌ای را در قالب هنر بیان کنیم، ماندگار می‌شود. اما اگر همان جمله را به شکل عادی بیان کنیم بتدریج فراموش می‌شود و از اذهان خواهد رفت. بنابراین فیلم و سینما قالب ماندگارت‌ری برای بیان مفاهیم آموزشی است.

او ادامه داد: من معتقد هستم فیلم، جریان فیلمسازی و تقویت آن بین دانش‌آموزان عاملی است که اولاً موجب می‌شود در حوزه هنر گامی برداشته شود و بتوانیم هنر را توسعه دهیم. هنری که ماندگاری مفاهیم و موضوعات را تثبیت می‌کند. از طرف دیگر، تقویت هنر موجب رشد استعدادها می‌شود.



نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: یکی از همین زمینه‌های بروز این استعدادها، جشنواره‌هایی مانند رشد است که توانمندی‌های درونی خودشان را می‌توانند در آن ظاهر کنند و نشان دهند. مرکز هوشمندی باید این استعدادها را شناسایی و از آنها حمایت کند تا آنها بتوانند استعدادهایشان را در راستای اهداف بزرگ و بلند شکوفا کنند.

سعیدی درباره این‌که چرا توجه به فیلم در آموزش جزو اولویت‌های سازمان آموزش و پرورش قرار ندارد، گفت: این مساله دلایل مختلفی دارد. یکی از دلایل این است که ما به شکل جدی در این عرصه حضور پیدا نکردیم. تولید فیلم‌های مستند علمی و انیمیشن بخصوص در زمینه آموزشی باید جزو اولویت‌های ما قرار بگیرد، چون ما کیفیت آموزش‌ها باید سمعی و بصری باشند؛ اما در نهایت آنچه اتفاق افتاد این بود که ما بیشتر به سمت آموزش سمعی رفتیم و حوزه بصری را به طورکلی فراموش کردیم.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شـورای اسلامی درباره نقش کمیسیون در زمینه گسترش فیلم‌های آموزشی گفت: ما با کسانی که در این زمینه فعالیت کردند یا علاقه‌مند بودند جلساتی داشتیم، مشکلات و موانع آنها را حل کردیم و راه‌هایی را که می‌شد از آنها حمایت کرد، بررسی کردیم. به این نتیجه رسیدیم کمیسیون فرهنگی حتما باید ورود پیدا کند و در تلاش هستیم تصمیمات خوبی در این زمینه بگیریم. چون به هر حال نیاز است و در این زمینه بخصوص در سیاست‌های کلان کم کار شده است.

تولید فیلم مشترک بین ایران و فنلاند

رئیس سازمان سینمایی در دیدار با سفیر فنلاند در تهران بر گسترش روابط سینمایی دو کشور تاکید کرد.

به گزارش مهر، محمدمهدی حیدریان در دیدار با سفیر فنلاند در تهران و همچنین مدیر بنیاد فیلم این کشور، تولید مشترک و تعامل با کشورهایی با سابقه فرهنگی- تاریخی دیرین را مورد علاقه ایران دانست و گفت: تولید مشترک یکی از راه‌های موثر برای همکاری‌های سینمایی است و ارتباط بین جشنواره‌ها، تبادل فیلم، کارشناسی و ایجاد فرصت تعامل و همکاری بین دست‌اندرکاران سینمای دو کشور راه دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

سفیر فنلاند هم با اشاره به جلسه‌ای که سال گذشته با مقامات سینمایی داشت، عنوان کرد: آن جلسه به تولید فیلم مشترکی بین ایران و فنلاند با عنوان لایه‌های دروغ منجر شد که در مرحله تولید توسط تیمی ایرانی و فنلاندی قرار دارد.

او بر گسترش هرچه بیشتر همکاری‌های سینمایی دو کشور تاکید کرد.



فرامرز قریبیان در نمایشی از فیلم سایه‌های بلند باد ساخته بهمن فرمان‌آرا



فرامرز قریبیان در نمایشی از فیلم سایه‌های بلند باد ساخته بهمن فرمان‌آرا

عکس:
CIC

بازیگر درجه يك

فاطمه گودرزی که در فیلم می‌خواهم زنده بمانم ساخته ایرج قادری و سربال پس از سال‌ها به کارگردانی اکبر خواجویی با فرامرز قریبیان همبازی بوده است، به جام‌جم گفت: مدل بازی آقای فرامررز قریبیان را همه می‌شناسند و همه از توانایی ایشان در بازیگری اطلاع دارند. کارهای درجه یکی که ایشان چه در



«قدرت» بازیگری فرامرز قریبیان، بازیگر کهنه‌کار سینمای ایران ۷۷ ساله شد

برزوخان ملقب به دیوانه، به عنوان نخستین

نقش آفرینی سینمایی فرامرز قریبیان در فیلم «بیگانه بیا» شاید واجد ویژگی خاصی نبود؛ نقشی کوتاه که قریبیان جوان ۲۷ ساله را در هیبت جوانی اتوکشیده، سیگار به دست و بی‌سیبل نشان می‌داد، با چهره‌ای شبیه‌کری گران‌ت. اما نشانه‌های شمایل‌آشنای قریبیان از فیلم دوم خودش را نشان داد و مسعود کیمیایی در «خاک»؛

نقش مردی روستایی به نام مسیب را به او محول می‌کند. اهمیت نقشی تعیین‌کننده که با اتفاقی که برای او افتد، سرنوشت قهرمان قصه، بردارش صالح هم تغییر می‌کند. آن کلاه نمدی روستایی و آن ریش و سیبل و موهای آشفته، با مولفه‌های مقاومتی و انقلابی، چند سال بعد در قالب شخصیت قدرت فیلم «گوزنها» کامل و ماندگار می‌شود. بیهوده نیست که کیمیایی، به جای این‌که درباره فیلم بیگانه بیا این کار را انجام دهد، روی پوستر همین «خاک» می‌نویسد: با معرفی فرامرز قریبیان.

قریبیان با گوزنها درخشید و پا به پای نقش اصلی آمد و بر جایگاه، اهمیت بر جایگاه، اهمیت و اثرگذاری نقش مکمل، مهر تایید زد. بازی‌های خوب او در غزل و سایه‌های بلند با هم ادامه یافت و موقعیت قریبیان را به عنوان بازیگری متفاوت و بزرگ تثبیت کرد. این دوی يك بودن، در عین حال حاشیه‌امن به دور از جنجال و هیاهویی را هم برای او ایجاد کرد و قریبیان را به سلامت به

سناتور

یکی از مهم‌ترین فیلم‌های سینمای ایران در اوایل دهه ۶۰ که همچون برخی دیگر از آثار آن موقع، فضایی انقلابی، ضد حکومت پهلوی و با محوریت قاچاق مواد مخدر داشت. فرامرز قریبیان در این فیلم نقش ماموری وظیفه‌شناس به نام استوار حقگو را بازی می‌کند که درمی یابد یک سناتور، ماجرای توزیع هروئین را رهبری می‌کند، اما چون کسی وقعی به این اتهام نمی‌نهد، حقگو خودش برای ابیودی سناتور اقدام می‌کند.

ترن

قریبیان که در سال‌های پیش از انقلاب، در چند فیلم نقش‌های مهمی با پس‌زمینه انقلابی بازی کرده بود، طبیعی بود در سال‌های پس از انقلاب هم برای چنین نقش‌هایی انتخاب شود. یکی از این نقشها، فولاد راننده قطار فیلم «ترن» بود که در اوج فعالیت‌های انقلابی مردم، مسیر قطار حامل سوخت را به سمت مردم نیازمند تغییر می‌دهد. قریبیان اولین سیمیرغ بلورین بازیگری خود را برای بازی در این فیلم از جشنواره فیلم فجر سال ۶۶ دریافت کرد.

ردپای گرگ

مسعود کیمیایی در ردپای گرگ، پیراهن نقشی را تن قریبیان می‌کند که برانزده اوست؛ جامه‌ای سفید که البته دشنه رفاقت، خونی اش می‌کند و باعث می‌شود قریبیان در نقش رضا در سکانسی ماندگار سوار بر اسب شود و لابه‌لای خیابان‌های تهران، زخمی پرسه بزند. بازی قریبیان نامزد دریافت جایزه در جشنواره فیلم فجر شد.

سینمای قبل از انقلاب و چه در سینمای بعد از انقلاب بازی کرده‌اند، همیشه ماندگار است. بنابراین بازیگری ایشان، بی‌نیاز از تعریف است.

بازیگر آثاری چون غزال، دردسر والدین، بهشت پنهان و جنگجوی پیروز افروذ، آقای قریبیان برای همکاری برانزده و پارت‌ر بسیار خوبی هستند. می‌توان با

سینمای یکسره دگرگون پس از انقلاب رساند.



سینمای یکسره دگرگون پس از انقلاب رساند. قریبیان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ یکی از اولین انتخاب‌های بیشتر کارگردان‌ها و تهیه‌کنندگان سینمای ایران برای ایفای نقش‌های اصلی بود. اما بالعکس نقش آفرینی‌های قریبیان در سینمای پیش از انقلاب که عموماً در فضای متفاوت و هنری صورت می‌گرفت، این بازیگر در سال‌های پس از انقلاب عمدتاً در سینمای بدنه و تجاری، نقش‌هایی مهم و تاثیرگذار بازی می‌کرد و آثاری موسوم به سینمای هنری بندرت در کارنامه او دیده می‌شود، اما حضور قریبیان در سینمایی از این جنس همچون رقص در غبار و شهر زیبا هم معمولاً به نتایج درخشانی منجر می‌شد.

قریبیان همچنین یکی از پرکارترین بازیگران سینمای ایران در دهه‌های آغازین انقلاب هم بود و فیلم‌های اکشن، جنگی و ملودرام او با اقبال خوبی در گیشه روبه‌رو می‌شد؛ یکی از شاخص‌ترین فیلم‌های او در این زمینه، (می‌خواهم زنده بمانم» ساخته ایرج قادری است که عنوان پرفروش‌ترین فیلم سال ۷۴ را به خود اختصاص داد.

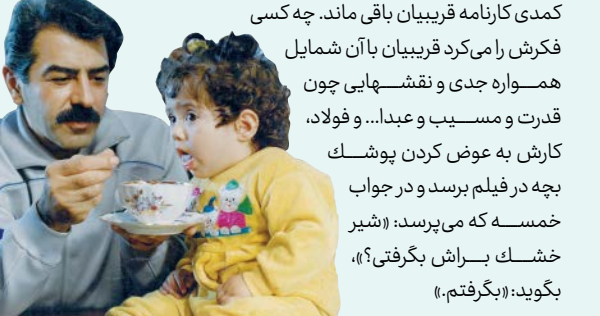
این بازیگر که با دریافت سه سیمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد، یکی از موفق‌ترین بازیگران در جشنواره فیلم فجر است، سال ۱۳۲۰ در چنین روزی به دنیا آمد و امروز جشن تولد ۷۷ سالگی خود را جشن می‌گیرد. ما هم در صفحه سینمای امروز جام‌جم، نگاهی داریم به فیلم‌های شاخص و ماندگار قریبیان و پرسونای این بازیگر کهنه‌کار که این سال‌ها کم‌کار شده و دیگر خبری از پرکاری او همچون گذشته نیست.

کانی‌مانگا

قریبیان به دلیل پرسونای جدی‌اش، از گزینه‌های اصلی بازی در فیلم‌های اکشن، جنگی و مهیج بود. کانی‌مانگا یکی از مهم‌ترین فیلم‌های او در این زمینه است و با اکران موفق طولانی‌مدت، از پرفروش‌ترین و پرمخاطب‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود. قریبیان در این فیلم، نقش رئیس گروهی تگوار را بازی می‌کند که برای اسارت خلبانی سقوط کرده راهی منطقه کانی‌مانگا می‌شود.

دو نفر و نصفی

نگاه منقبض و چهره جدی قریبیان، ظاهراً قرباتی با خنده و سینمای کم‌مدی ندارد، اما حضور این بازیگر در «دو نفر و نصفی» خلاف این موضوع را ثابت کرد. این اتفاق البته دیگر تکرار نشد و این فیلم، تنها



کم‌دی کارنامه قریبیان باقی ماند. چه کسی

فکرش را می‌کرد قریبیان با آن شمایل

همواره جدی و نقشه‌هایی چون

قدرت و مسیب و عبدا... و فولاد،

کارش به عوض کردن پوشك

بچه در فیلم برسد در جواب

خمسه که می‌پرسد: «شیر

خشك براش بگیرفتی؟»،

بگوید: «بگیرفتم».

می‌خواهم زنده بمانم

قریبیان بهترین گزینه برای بازی در این فیلم جنایی بود و همکاری اش با فاطمه گودرزی، بسیاری از تماشاگران را در سال ۷۴ به سینماها کشاند. صحنه‌های دادگاه با بازی قریبیان از مهم‌ترین لحظات فیلم است و صدا و حسن او، تماشاگر را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. عکس او با چاقوی دسته سفیدی در دست، از قاب‌های ماندگار می‌خواهم زنده بمانم و دهه ۷۰ سینمای ایران است.

چشم‌هایش

قریبیان را بیشتر به عنوان بازیگر می‌شناسیم، اما او چهار بار هم پشت دوربین قرار گرفت و کارگردانی را تجربه کرد؛ اولین فیلم او جدال در تاسوکی است و دومین فیلمش قانون که هر دو با موضوع قاچاق مواد مخدر و با صحنه‌های اکشن بودند. اما او در سومین اثرش به عنوان کارگردان، اثری متفاوت و عاشقانه است که قریبیان سومین سیمیرغ بازیگری خود را سال ۷۸ برای بازی در آن دریافت می‌کند. ناگهان‌کار به عنوان چهارمین ساخته قریبیان اما فضایی پلیسی - جنایی داشت.

آرامش و بدون دغدغه با ایشان کار کرد. بسیار خوشحالم که افتخار این را داشتم که در دو کار با ایشان همکاری کنم. امیدوارم همیشه نشان سالم باشد و آنچه را که از زندگی می‌خواهند، به دست آورده باشند. آرزوی بهترین‌ها را برایشان دارم و تولدشان را تبریک می‌گویم.

يك مرد خوب

مهدی صباغ‌زاده، کارگردانی است که در دهه ۶۰ سه همکاری موفق و متفاوت با فرامرز قریبیان داشت؛ سناتور، پرونده و گمشده. او در این زمینه خیلی کوتاه به جام‌جم گفت: تولد آقای قریبیان را تبریک می‌گویم. سال‌ها از دوران همکاری ما می‌گذرد. فقط می‌توانم بگویم، مرد و بازیگر خوبی هستند. مرد آرام و با شخصیتی هستند و موقع همکاری هم بموقع می‌آمدند و بموقع هم می‌رفتند. با هم راحت بودیم و هنگام کار، مشکلی با هم نداشتیم.

گوزنها

قدرت فیلم «گوزنها» با بازی تاثیرگذار قریبیان، با آن سیبل و عینک فریم درشت معروف از همان موقع به شمایی اعتراضی و انقلابی تبدیل شد. حسین عرفانی هم با صداپیشگی خود به جای این نقش، بر صلابت این کاراکتر افزود. به یاد بیاورید صحنه‌های پایانی فیلم و زمانی را که قدرت از سید می‌خواهد از خانه بیرون برود و خودش را تسلیم کند تا در هجمه ماموران، گزند ی به او وارد نشود. قدرت همینجاست که به مبصر و رفیق قدیمی‌اش می‌گوید: «سید! برو بیرون.» که سید می‌گوید: «نه یا! مٲ این‌که تو حالت نیست... خونه.»

سایه‌های بلند باد



قریبیان در این فیلم

نشان داد که می‌توان

به عنوان بازیگری نقش

اصلی - دست‌کم در

سینمای هنری پیش

از انقلاب - هم روی او

حساب ویژه‌ای باز کرد.

عبدا... راننده‌ای است

که در مقابل باورها و

خرافه‌های يك جماعت

خموده و قدیمی قد علم

می‌کند؛ جلوه این قیام و بی‌اعتنایی هم در رویایی با مترسک روستا خودش را نشان

می‌دهد. نقش قریبیان به نوعی وامدار همان نگاه استراتژیک و انقلابی او در گورنهایت.

رقص در غبار و شهر زیبا



اصغر فرهادی در نخستین فیلم‌هایش در سینما و قبل از این‌که سراغ طبقه متوسط شهری برود، قصه‌هایی از طبقه فرودست و آدم‌های حاشیه‌نشین را روایت می‌کرد. او در دو فیلم رقص در غبار و شهر زیبا، سراغ قریبیان رفت و دو بازی متفاوت از او گرفت؛ بازی‌هایی رنج‌آلود و در سکوت که جزو بهترین و متفاوت‌ترین نقش آفرینی‌های کل کارنامه قریبیان است.

بندر مه‌آلود



قریبیان در این فیلم، شمایی شبیه همفری بوگارت دارد و با آن کلاه و بارانی سفید و اسلحه‌ای از دست، نقش‌های ماندگار بوگی و فیلم نوآرهای آمریکایی و فرانسوی را تداعی می‌کند. او برای بازی خویش در بندر مه‌آلود، دومین سیمیرغ بلورین بهترین بازیگری خود را سال ۷۱ از جشنواره فیلم فجر دریافت می‌کند.